

شاخص‌های اخلاقی و حقوق خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام^۱

محمد مهدی صفورانی پاریزی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف معرفی شاخص‌های اخلاقی و حقوقی خانواده کارآمد، بر اساس معارف دینی به دست آمده از منابع معتبر اسلامی طراحی و اجرا شده است. این شاخص‌ها ویژگی‌ها به روش توصیفی - تحلیلی از آیات و روایات مربوط به خانواده، استخراج و ارائه شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در منابع دینی برای تمام جنبه‌های زندگی خانوادگی که کانون تربیت و رشد مادی و معنوی فرد و اجتماع است، دستورالعمل‌های اخلاقی معرفی شده که رعایت آن‌ها تضمین‌کننده کارآمدی خانواده و رشد اعضای آن است. راستگویی، مثبت‌اندیشی، محبت کردن، احترام متقابل، مدارای با یکدیگر، سلام کردن، دلسوزی و مهربانی و صبر از مهم‌ترین آموزه‌ها و رفتارهای اخلاقی هستند که بر کارآمدی خانواده تأثیر مستقیم دارند. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که منابع دینی برای هر یک از اعضای خانواده شامل زن، شوهر، فرزند، پدر و مادر حقوقی را وضع کرده و در مقابل این حقوق، وظایفی نیز برای طرف مقابل معین کرده است؛ رعایت این حقوق و انجام وظایف در کنار هم، تأمین‌کننده کارآمدی خانواده است. **واژه‌های کلیدی:** شاخص اخلاقی، شاخص حقوقی، خانواده کارآمد، منابع معتبر اسلامی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۳۱

۲. دانشیار روانشناسی تربیتی جامعه المصطفی^ع العالمیه، قم، ایران. safurayi@gmail.com

مقدمه

خانواده، تنها یک سازمان حقوقی نیست که قانون بتواند نظم را در آن ایجاد کند؛ بلکه نیازمند آمیزه- ای از قواعد حقوقی و اخلاقی است که در آن غلبه با اخلاق است؛ زیرا، نه تنها بیش تر قوانین مربوط به آن ضمانت اجرایی مؤثر ندارد، بلکه آنچه هست از اخلاق مذهبی و اجتماعی ناشی شده و در مقررات و قانون نفوذ کرده است. در تمام جوامع، خانواده، مظهر اخلاق عمومی است. آنچه در خانواده باید به وجود آید، عشق و مهربانی، حسن نیت و اعتماد متقابل است و هیچ نیرویی جز اخلاق و ایمان نمی تواند بر این عواطف، حکومت کند. الزام مرد به تأمین معاش خانواده و تربیت فرزندان و همچنین تکلیف زن و فرزندان نسبت به خوشرویی با مرد و اطاعت از وی، از قواعد اخلاقی خانواده است که حقوق آنها را به عاریت گرفته است. در مواردی که حقوق، دستورهای کلی می دهد و تکالیف عام و محملی را مقرر می دارد، مصداق های آن نوعی الزام اخلاقی است؛ به عنوان مثال در ماده های ۱۱۰۳ (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۱۰۳) و ۱۱۰۴ (همان، ماده ۱۱۰۴) قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند و باید در تشییع میانی خانواده و تربیت اولاد خود همکاری کنند، و بر طبق ماده ۱۱۷۷ (همان، ماده ۱۱۷۷)، فرزند باید مطیع ابویین خود بوده و در هر سنی به آنها احترام بگذارد. ولی آیا تکلیف زن را در پرستاری از شوهر بیمار خود یا الزام مرد را در رساندن فرزندانش به مدرسه، می توان تنها الزام حقوقی دانست؟ بدون شک انجام این کارها لازمه حسن معاشرت و همکاری زن و شوهر در تربیت اولاد است، اما برای الزام به هر یک از آنها، نمی توان در دادگاه اقامه دعوی کرد و قانون برای تخلف از یکایک امور جزئی، کیفر خاص معین نمی کند. در این گونه امور، جنبه اخلاقی بر آثار حقوقی آنها غلبه دارد. پس در خانواده نمی توان حقوق و اخلاق را از هم جدا کرد و مرز بین قواعد آن دورا به دقت رسم کرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۷)

خانواده به عنوان کهن‌ترین نظام در جوامع بشری، مناسب‌ترین سازمان برای تأمین نیازهای جسمی و روانشناختی اعضا و بهترین بستر برای پرورش نسلی کارآمد و معتقد به ارزش‌های دینی و اجتماعی و همچنین زمینه‌ساز تأمین نیازهای اقتصادی، حقوقی و امنیت و آرامش روانی افراد بشر بوده است. در سال‌های اخیر نظام خانواده به دلیل تحولات فرهنگی، اجتماعی، صنعتی، علمی و ارزشی با مشکلات متعددی روبه‌رو شده است. تزلزل بسیاری از سنت‌ها، اخلاقیات، آداب و رسوم و اعتقاداتی که عامل تقویت، استحکام و تعادل خانواده بوده، به صورت جدی کارآمدی خانواده را تهدید کرده است. این حقیقت تلخ که در گزارش انجمن روانپزشکی آمریکا و طبقه‌بندی تشخیصی (D.S.M.5)¹، مسائل زناشویی و خانوادگی یکی از بالاترین علل رجوع به کلینیک‌ها و مراکز مشاوره ذکر شده، گواه این مدعاست.

عوامل مؤثر بر کارآمدی و ناکارآمدی خانواده به قدری زیاد و پیچیده است که برای مقابله با عوامل آسیب‌زا و حفاظت از هویت ملی و دینی نظام خانواده، معرفی و آموزش شاخص‌های کارآمدی خانواده در سطح ملی و بین‌المللی ضرورت پیدا کرده است. خانواده همچون آینه‌ای عناصر و فرایندهای بهنجار و نابهنجار اجتماعی را منعکس می‌کند. در عین حال، خانواده تأثیر شدیدی بر جامعه دارد و تحقق جامعه سالم و کارآمد در پرتو وجود خانواده‌های سالم و کارآمد امکان‌پذیر است. (ساروخانی، ۱۳۷۰)

مجموعه تعالیم و آموزه‌های اسلامی در مورد خانواده، ما را به نظامی رهنمون می‌کند که شاخص‌های کارآمدی را در بر دارد و پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی خانواده است. مقتضای جامعیت و جاودانگی قرآن و جایگاه رفیع ازدواج و خانواده در فرهنگ و حیاتی ثقلین، وجود قوانین محکم، جامع و شفاف در رابطه با خانواده است. (ز.ک. محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱) که می‌تواند پاسخگوی سؤالات مطرح در حوزه خانواده باشد. شناخت ویژگی‌ها و شاخص‌های خانواده مطلوب موجب می‌شود تا ضوابط روشن و متقن برای ارزیابی خانواده از نظر میزان کارآمدی و استحکام درونی آن ارائه شود. طبق بررسی‌های انجام شده، تحقیقات متعددی در رابطه با خانواده توسط اندیشمندان مسلمان و روانشناسان در حوزه خانواده و ویژگی‌ها و متغیرهای مرتبط با آن صورت گرفته است، اما تاکنون شاخص‌های اخلاقی و حقوقی خانواده کارآمد به صورت مستقل و کاربردی بررسی و معرفی نشده است. همچنین بررسی مطالعات و پژوهش‌های انجام شده درباره کارآمدی خانواده از سوی روان‌شناسان معاصر، نشان می‌دهد که شاخص‌ها بر اساس تعالیم دین مقدس اسلام معرفی نشده است. از این رو با توجه به نیاز جوامع انسانی به داشتن میزان و شاخص‌های کارآمدی خانواده، تلاش برای معرفی شاخص‌ها بر اساس تعالیم اسلام و متناسب با دستورات الهی که توسط پیامبر ﷺ و ائمه^{علیهم‌السلام} در قالب آیات قرآن و روایات عرضه شده است، ضروری است. متون اسلامی در بردارنده توصیه‌هایی است که عمل به آن می‌تواند سبب رشد و تعالی اعضای خانواده و دستیابی به خانواده‌ای مطلوب، متعادل، کارآمد و متعالی شود.

1. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders.

اولین کاربرد نتایج این پژوهش آشنا ساختن خانواده با دانشی است که سبب ارتقای خانواده و حفظ کارآمدی آن می‌شود. آشنایی والدین و فرزندان با شاخص‌های تثبیت و استحکام خانواده می‌تواند آنان را به سوی عمل بر اساس شاخص‌های کارآمدی سوق دهد و به اعضای آن اعتماد به نفس بیش‌تری بخشد و به آنان فرصتی دهد تا ابتکار عمل زندگی خود را در دست داشته باشند. معرفی شاخص‌های کارآمدی اخلاقی و حقوقی خانواده از نظر اسلام، به مشاوران، درمان‌گران و خانواده‌درمان‌گران کمک می‌کند تا ارزیابی مناسبی از وضعیت موجود خانواده داشته باشند و اعضای آن را به سوی وضعیت مطلوب هدایت کنند. آشنایی با شاخص‌های اخلاقی و حقوقی مبتنی بر منابع دینی و تطبیق آن بر وضعیت خانواده مراجعان یکی از راه‌های مفید و ارزشمندی است که درمان‌گران را در ارزیابی موقعیت و وضعیت مسأله و مشکل و یافتن راه حل مناسب یاری می‌دهد.

۱. مفهوم‌شناسی

این تحقیق بر آن است تا شاخص‌ها و ویژگی‌های اخلاقی و حقوقی خانواده کارآمد را بر اساس تعالیم و معارف اسلام از منابع معتبر اسلامی استخراج و معرفی کند. قبل از معرفی ویژگی‌ها به تعریف عملیاتی شاخص، خانواده کارآمد و تفاوت اخلاق و حقوق اشاره خواهد شد.

۱-۱. شاخص

شاخص به معنای ویژگی‌هایی کلی است که ویژگی‌های جزئی‌تری را در درون خود جای می‌دهد و از برجستگی و اهمیت بیش‌تری برخوردار است. تفسیر، تبیین و طبقه‌بندی ویژگی‌ها تحت عنوان ویژگی‌های کلی‌تر و شاخص، سبب درک آسان‌تر ویژگی‌های جزئی‌تر و زیر مقوله‌ها می‌شود. (گولدا و کولب^۱، ۱۹۹۷)

۱-۲. خانواده کارآمد^۲

خانواده کارآمد، خانواده‌ای است که با پایبندی اعضای آن به اعتقادات دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند (صغورایی‌پاریزی، ۱۳۸۸، ص ۲). اصطلاح کارآمد برای تشخیص فرآیند عملکرد مطلوب و بهنجار به کار می‌رود. این مفهوم به قضاوت درباره سودمندی الگوهای خانواده در کسب هدف‌ها اشاره دارد.

۱-۳. تفاوت اخلاق و حقوق

هرچند اخلاق و حقوق در مواردی هم‌پوشی دارند، اما تفاوت‌های اساسی نیز بین این دو حیطه وجود دارد.

1. Julius Gould.
2. William L. Kolb.
3. Efficient family.

- احکام حقوقی فقط مربوط به رفتار اجتماعی انسان است، در صورتی که احکام اخلاقی شامل رفتارهای فردی و اجتماعی آدمی می‌شود. به عبارت دیگر، اخلاق ارتباط انسان با خدا، خودش و دیگران را مورد نظر قرار می‌دهد، اما حقوق تنها بر ارتباط انسان با دیگران نظارت می‌کند.

- احکام حقوقی ضامن اجرایی بیرونی دارد، اما احکام اخلاقی دارای ضامن درونی است.

- بایدها و نبایدهای اخلاقی، کلی، ثابت و جاودانی‌اند، برخلاف بایدها و نبایدهای حقوقی که کم و بیش دست‌خوش تغییر و دگرگونی می‌شوند. (همان)

۲. شاخص اخلاقی

منابع دینی اسلام به مسائل اخلاقی و رعایت اخلاق در اندیشه و عمل، توجه بسیاری دارد و تهذیب نفس را که نتیجه رعایت اخلاق است، یک مسأله اساسی و زیربنایی می‌داند که بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است. تکامل اخلاقی در فرد، خانواده و جامعه، هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می‌کنند و آن را ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفاسد و پدیده‌های ناپه‌نجان می‌شمرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۲)

تلاش برای عمل به مقررات و قوانین بدون پشتوانه اخلاق، نه تنها در نظام خانواده، بلکه در هیچ اجتماعی ثمری ندارد. ایمان و اخلاق، بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات در کانون خانواده است و کارآمدی آن را تضمین می‌کند. خانواده اولین محیط برای تعلیم و تربیت کودک است. فضایل اخلاقی در این محیط رشد می‌کنند و سنگ بنای اخلاق انسان در خانواده نهاده می‌شود. کودک بسیاری از صفات و رفتارهای اخلاقی را از پدر، مادر، خواهر، برادر و کسانی که با آنها در یک خانواده زندگی می‌کند، می‌آموزد. راستگویی، مثبت‌اندیشی، محبت کردن، احترام متقابل، مدارای با یکدیگر، سلام کردن، دلسوزی و مهربانی، صبر و بسیاری از این قبیل رفتارها توسط اعضای خانواده به یکدیگر منتقل می‌شوند. خانواده، نخستین درس‌های فضیلت را به فرزندان خود می‌آموزد و بزرگترها نیز به سبب همشینی طولانی و مداوم بر شکل‌گیری صفات اخلاقی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. پس قبل از هر چیز باید محیط خانواده به فضایل اخلاقی آراسته شود تا بتواند کارآمدی خود را اثبات کرده و زمینه رشد و بالندگی اعضای خود را فراهم سازد. در ادامه به مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی مؤثر بر کارآمدی خانواده اشاره می‌شود.

۲-۱. راست‌گویی

براساس تعالیم قرآنی و روایی، راستی و راستگویی در کارآمدی تمام بخش‌های زندگی انسان مؤثر است؛ خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (مانده: ۱۹)؛ راستی

و راستگویی مؤمنان سبب یاری آنان در دنیا و نجاتشان در قیامت می‌شود و پاداش آن را بهشت و رضایت خود از راستگویان می‌داند. از روایات نیز استفاده می‌شود که همه فضیلت‌های انسانی از صداقت و راستی سرچشمه می‌گیرد (مجلسی: ۱۹۸۳، ج ۶۸، ص ۹) و کلید همه خوبی‌ها راستگویی و کلید همه بدی‌ها دروغ و دروغ‌گویی است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۴۳۹).

اساس زندگی انسان را کار گروهی و دسته جمعی تشکیل می‌دهد و بدون همکاری جمعی، کارهای مهم و باارزش انجام نمی‌شود و یا این‌که پیشرفت آن کاهش می‌یابد و یا کند می‌شود. پیشرفت کار گروهی نیز به نوبه خود بدون اعتماد و اطمینان در بین اعضای گروه امکان ندارد و اعتماد و اطمینان در صورتی حاصل می‌شود که صداقت و امانت در میان آنان حاکم باشد. همچنین تفاوتی میان فعالیت‌های علمی، فرهنگی، پرورشی، حقوقی، اقتصادی و... در این موضوع وجود ندارد. یک دانشمند، مرئی، مدیر، سیاست‌مدار، فرزند و همسر اگر چندبار به دیگران و کسانی که با آن‌ها در ارتباط است، دروغ بگوید، به سرعت نفوذ و ارزش خود را از دست می‌دهد. کارآمدی اجتماع، به ویژه اجتماع کوچک خانواده در صورت بروز بی-اعتمادی، دچار اختلال و ضعف می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷)

راستگویی تأمین کننده سلامت و بهداشت روان است و به انسان شجاعت و شهامت می‌بخشد، درحالی که دروغ و دروغ‌گویی، همیشه انسان را در هاله‌ای از ترس فرو می‌برد و پیوسته در این هراس ننگه می‌دارد که دروغ‌های او آشکار شود. در تحلیل روان‌شناختی، صداقت به گفتار و رفتاری گفته می‌شود که فرد انگیزه و قصدی مغایر با مفاد گفتار و رفتارش نداشته باشد؛ یعنی این‌که فرد با صراحت و وضوح صحبت می‌کند. هنگامی که فرد در ارتباط کلامی یا بدنی صداقت نداشته باشد، ارتباطی متعارض یا دوسطحی برقرار می‌شود، به گونه‌ای که مفاد سخن شخص، چیزی است و باقی وجود او، چیزی دیگر را بیان می‌کند و یا انگیزه و قصد او از رفتار و گفتارش، امر دیگری است.

در چنین موقعیتی مخاطب به دریافتی که از کلام یا رفتار آن شخص دارد، پاسخ می‌دهد، ولی آنگاه که متوجه شود انگیزه وی، امر دیگری بوده است، در پاسخ به رفتار و گفتارهای بعدی او، سردرگم می‌شود. گاه به کلام و رفتار او توجه می‌کند و از انگیزه و یا انگیزه‌های محرک رفتار غفلت می‌کند و گاهی به دلیل توجه بیش‌تر به انگیزه‌های احتمالی، دچار واکنش نامناسب می‌شود. این‌گونه ارتباط از مشخصه‌های رفتارها و گفتارهای اعضای خانواده ناکارآمد است. (ستیر، ۱۹۸۸، ص ۷۸)

بنابراین برای دستیابی به سلامت روابط در خانواده و بالندگی باید روابط کلامی و بدنی مثل آهنگ صدا، تماس‌های چشمی، نگاه‌ها، وضعیت بدنی افراد نسبت به هم و حرکات بدن به صورت واضح و شفاف باشد و فرد را دچار سردرگمی نکند. باید سخنان فرد نه تنها با حالت صورت، وضع بدن و آهنگ صدا هماهنگ باشد، بلکه روایتگر انگیزه و حالات ناهشیار نیز باشد؛ به عبارت دیگر، همه ابعاد روان‌شناختی فرد اعم از

عاطفی، هیجانی، رفتاری و شناختی یک مطلب را نشان دهد. چنین ارتباط صادقانه و بهنجاری به اعضای خانواده امکان می‌دهد که درستی، تعهد، شایستگی، خلاقیت داشته باشند، به کمال و بالندگی برسند و با غلبه بر مشکلات، بر کارآمدی خانواده بیفزایند.

۲-۲. مثبت‌اندیشی

داشتن دید مثبت نسبت به مسائل زندگی و برداشت‌های خوش‌بینانه از حوادث ناخوشایند در توانایی رویارویی با مشکلات تأثیر بسیاری می‌گذارد. در مقابل، تبیین‌های بدبینانه ممکن است افراد را دچار حالت‌های عاطفی منفی و در نتیجه بازدارنده ایمنی کند؛ در این حالت احتمال بروز بیماری‌های جسمی نیز بیش‌تر می‌شود و بیماری به نوبه خود بر روند پیشرفت زندگی، آثار نامطلوبی برجای می‌گذارد. مثبت‌اندیشی تلفیقی از گرایش و نگرش خوشبینانه و مثبت در مورد خداوند، خود، افراد، رویدادها، اشیا و به طور کلی جهان ماوراءطبیعی و جهان طبیعت است که بر اساس آن، شخص انتظار و نتایج خوب را بر طبق توانایی‌های خود از جهان و رویدادهای آن دارد. خوش‌بینی، فرد را به تلاش برای طراحی نقشه‌هایی برای حل مشکل سوق می‌دهد؛ فرد با عمل به این نقشه‌ها، انتظار دارد، امور غالباً مطابق نظر او پیش روند و همین امر، کوشش او را مضاعف می‌کند. (دیماثو به نقل از موسوی و همکاران، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۸۲-۵۸۴) بنابراین می‌توان گفت که دیدگاه مثبت در زندگی نسبت به مشکلات و ناگواری‌هایی که پیش می‌آید بر حالات عاطفی و بهبود روابط اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و سبب کارآمدی خانواده می‌شود.

اعضای خانواده کارآمد در پرتو خوش‌بینی به خداوند، به یکدیگر نیز خوش‌بین هستند و با رویکردی مثبت و سازنده به دیگر اعضا می‌نگرند و در برخورد با آنان تمایل دارند که به افکار، عملکردها و رفتارها از دریچه خوش‌بینی و مثبت بنگرند. زن و شوهری که به دنبال زندگی شیرین و لذتبخش هستند، جنبه‌های مثبت همسر خود را در نظر می‌گیرند و با چشم‌پوشی از عیوب و نواقص، پیوسته زندگی و رفتارها را زیبا می‌بینند و حتی گاهی برخی معایب را خوبی و نیکی تلقی می‌کنند.

۲-۳. محبت

محبت، بیش‌ترین نقش را در ساماندهی جامعه آرمانی اسلامی و انسانی دارد. جامعه مطلوب اسلامی، جامعه‌ای است که براساس محبت مردم نسبت به یکدیگر شکل گیرد. محبت، مؤثرترین عامل پرورش انسان‌های شایسته و کارآمدترین ابزار پیشبرد اهداف فردی، اجتماعی، مادی و معنوی است. محبت به قدری شیرین و لذتبخش است که با کمک آن می‌توان همه تلخی‌های زندگی و بسیاری از ضعف‌ها و نابسامانی‌ها و مشکلات کوچک و بزرگ فردی و اجتماعی را جبران کرد. در حدیثی حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرمایند: «هیچ چیز مانند محبت شیرین نیست». (محمدری شهری، ۱۳۹۷، ح ۳۸) رسول گرامی اسلام در این باره با کنایه می‌فرمایند: «هیچ مجلسی برای نشستن دو دوست، تنگ نیست» (همان، ح ۸۶).

عنصر محبت برای تحقق برنامه‌های دینی و هدایت انسان‌ها آنقدر مؤثر دانسته شده که امام باقر علیه السلام دین اسلام را چیزی جز محبت نمی‌داند (همان، ح ۸۶۴). خداوند متعال در سوره روم، مهر و محبت را از آثار قدرت و نعمت‌های بزرگ برشمرده و بر بندگان منت نهاده و می‌فرماید: «یکی از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با آنان انس بگیرید و در میاتنان محبت و مهربانی برقرار کرد و هر آینه در این کار برای مردمی که بیندیشند نشانه‌ها و عبرت‌هایی وجود دارد» (روم: ۲۱).

همه انسان‌ها نیازمند دوستی و محبت هستند و دوست دارند که محبوب دیگران باشند. وقتی فرد بدانند محبوب دیگران نیست، خود را تنها و بی‌یار و یاور می‌داند و نمی‌تواند استعداد‌های خود را شکوفا کند و در راه رسیدن به کمال قدم بردارد. این نیاز غریزی در زن و مردی که با هم تشکیل خانواده داده‌اند و از «من» بیرون آمده و به «ما» رسیده‌اند، بیش‌تر احساس می‌شود. پیش از ازدواج هر یک از زن و مرد از محبت‌های فراوان پدر و مادر خود برخوردار بوده‌اند و آنگاه که با هم پیمان ازدواج بستند، انتظارات آنان نسبت به دریافت محبت تغییر می‌کند و منتظرند که از طریق رشته دوستی جدید نیز محبت و دوستی دریافت کنند. هر یک از زن و مرد انتظار دارند که طرف مقابل او را از صمیم قلب دوست داشته باشد و علاقه‌مندی و محبتی دو طرفه برقرار شود. در این میان زن که موجودی عاطفی و کانون محبت است، بیش‌تر نیاز به محبت همسرش دارد، بلکه زندگی او وابسته به عشق و علاقه است و هر چه محبوب‌تر باشد، شاداب‌تر خواهد بود، اما اگر احساس کند محبوب همسرش واقع نشده، خود را شکست خورده و بی‌اثر می‌پندارد. محبت دو طرفه، زن و مرد را به زندگی دلگرم و کانون خانواده را استوار، مستحکم و کارآمد می‌سازد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بهترین زنان شما، زن‌هایی هستند که دارای عشق و محبت باشند» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵) و همچنین در مورد مردها می‌فرماید: «هرکس از دوستان ما باشد، به همسرش بیش‌تر اظهار محبت می‌کند و نیز هر چه ایمان انسان کامل‌تر باشد، محبت به همسرش را بیش‌تر می‌کند» (همان، ج ۱۰۳، ص ۲۲۳ و ۲۲۸). در خانواده‌ای که مهر و محبت وجود داشته باشد و زوجین با آرامش، آسایش و علاقه‌مندی به یکدیگر زندگی می‌کنند، والدین با توانمندی بیش‌تری می‌توانند به تربیت فرزندان خود بپردازند. وقتی که فرزند در کانون پر از محبت و عاطفه پرورش یابد، روح او نیز آرام است و بهتر رشد می‌کند و با الگوگیری از والدین خود در آینده، همسری مهربان و کارآمد خواهد بود و خانواده‌ای مطلوب نیز تشکیل خواهد داد. این کارآمدی، نسل به نسل منتقل می‌شود و جامعه‌ای پر از شور و نشاط و پیشرفت شکل می‌گیرد.

محبت، نظیر قانون جاذبه زمین در این جهان است؛ همان‌طوری که این جهان از اتم گرفته تا کهکشان‌ها بر اساس قانون جاذبه پابرجاست، خانه و خانواده نیز بر اساس قانون محبت، استوار است. اگر یک لحظه قانون جاذبه از جهان برداشته شود، نظم آن به هم می‌خورد و به طور کلی جهان طبیعت نابود می‌شود؛ هم‌چنین محبت در خانه که اگر نباشد، آن خانواده نابودشدنی است. در خانواده‌ای که محبت نباشد و

اعضای آن نیاز خود به محبت را ارضا نکنند، هیچ‌یک از اعضا نمی‌توانند وظایف خود را به صورت مطلوب انجام دهند و در نتیجه کارکرد خانواده به ناکارآمدی تبدیل خواهد شد. همان‌گونه که اجزای یک ساختمان بدون ملاط به هم نمی‌چسبند و ساختمان پابرجا نمی‌شود، بنا و نظام خانواده نیز چنین است که ملاط آن محبت و رحمت است. (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۷۱، ص ۱۸۱)

۲-۴. احترام متقابل

شخصیت و حرمت، یکی از جنبه‌های اصیل و اساسی وجود هر فرد است. انسان توقع دارد که دیگران به ویژه همسر و اعضای خانواده، او را محترم بشمارند و اگر کسی به شخصیت او احترام نگذارد، رشته محبت خود را با وی را قطع کرده و میان آنان فاصله ایجاد می‌شود. در حقیقت حفظ حرمت و شخصیت اعضای خانواده در گرو احترامی است که در برخوردها نمایان می‌شود.

رعایت احترام متقابل سبب استحکام روابط و نزدیکی افراد می‌شود. نیاز به احترام در زن و مرد تفاوتی ندارد و هر دو نیاز دارند که دیگری به او احترام بگذارد و هرگز نباید به سبب ارتباط دوستانه، نزدیک و بسیار خصوصی که زوجین با هم برقرار می‌کنند، از احترام به یکدیگر غفلت کنند. همسران و فرزندان برای این که روابط آنان به ارتباطی عادی و سرد تبدیل نشود، موظف به رعایت احترام متقابل و حفظ جایگاه شخصیتی یکدیگر هستند. در منابع دینی زنی که احترام همسر خود را رعایت نکند، مورد لعنت قرار گرفته است. (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳)

در خانواده‌ای که رفتارهای اعضای آن با یکدیگر، احترام‌آمیز و از روی ادب باشد، روابط صمیمانه و نزدیک خواهد بود و این امر مانع بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها می‌شود. از سوی دیگر بی‌احترامی به افراد، در آنان احساس حقارت به وجود می‌آورد که زمینه‌ساز ناکارآمدی در خانواده می‌شود و مانعی بزرگ بر سر راه بالندگی و کمال خواهد بود. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «انسانی که حقارت نفس پیدا کرد، دیگر انتظار خیر از او نمی‌رود، کسانی که نفسشان پست و خوار باشد، به خیرشان امیدی نداشته باش». (همان، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷)

۲-۵. مدارا با یکدیگر

مدارا کردن، رفتاری اخلاقی، اجتماعی و اسلامی است که از گسترش مخالفت‌ها، دشمنی‌ها، کینه و حسادت جلوگیری می‌کند؛ با رفق و مدارا، شدت مخالف‌ها کاهش می‌یابد (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴). امام علی علیه السلام که دست‌پرورده مکتب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پیرو سنت و سیره او بود، مدارا را سرلوحه برنامه‌های عملی و سیره خانوادگی و اجتماعی خویش قرار داده بود و می‌فرمود: «من کان رفیقاً فی امره نال ما یرید من الناس» (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۰)؛ کسی که در امور خویش، سیره مدارا و سبک رفق و ملایمت و نرمی را پیش گیرد به آن چه از دیگران انتظار دارد خواهد رسید. آن حضرت معتقد بود تحقق زندگی شیرین و خانواده‌ای

کارآمد در گرو مدارا با یکدیگر است (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۱، ص ۲۱۴) و انسان عاقل و با تدبیر کسی است که از این موضوع بهره کامل بگیرد (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۲۸) و با استفاده عاقلانه و مدبرانه از مدارا در روابط خود با همسر و فرزندانش، زندگی سالم و منظمی را پی ریزی کند.

۲-۶. سلام کردن

در میان همه ملت‌ها و فرهنگ‌ها، مردم به هنگام ملاقات و دیدار با یکدیگر برای ابراز احساسات و عواطف خود و خرسندی و رضایت از دیدار و نیز خوش آمدگویی و یا شروع گفتگو با یکدیگر، راه و روش خاصی ابداع کرده‌اند و برای این منظور با واژه‌ها و حرکات به صورت قراردادی این مقصود را می‌رسانند. در سنت اسلامی نیز برای تأمین این مقصود، سلام کردن به یکدیگر، مصافحه (دست دادن) و معانقه (یکدیگر را در آغوش کشیدن) در نظر گرفته شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... فاذا دخلتم بیوتا فسلموا علی انفسکم تحیه من عند الله مبارکه طیبه کذالک یبین الله لکم الایات لعلکم تعقلون» (نور: ۶۱)؛ هر گاه به خانه‌ها وارد شدید به یکدیگر سلام کنید و این تحیت و درودی پاک و مبارک از جانب خداوند است. امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «السلام تحیه لملتنا» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۶، ص ۴۶)؛ سلام، تحیت و درود ملت ما است. سلام کردن از دستورات الهی قرآن کریم است. سلام با سلامتی هم‌خانواده است و مفهومی است که هیچ خطر و تهدیدی از سوی سلام کننده، متوجه مخاطب او نیست. یکی از نام‌های بهشت که خانه آرامش و آسایش انسان است، دارالسلام است.

بدیهی است خانوادگی که چنین ارتباط و آرامشی و امنیتی دارد، زمینه‌های رشد اعضای خود را فراهم خواهد کرد. کارایی در هر زمینه‌ای نیازمند آرامش و آسایش است و خانواده به عنوان کانون آرامش با احساس امنیتی که در اعضای آن ایجاد می‌کند، می‌تواند به سوی کمال حرکت کرده و کارآمدی خود را تضمین کند.

۲-۷. دلسوزی و مهربانی

رفتار محبت‌آمیز، روح و روان انسان را از هرگونه گرد و غبار و پلیدی، پاک و تطهیر کرده و سلامت آن را تأمین می‌کند. فرد در پرتو این طهارت و سلامت با آسایش و آرامش، همت خویش را برای رشد و شکوفایی استعدادهای خویش بکار می‌بندد و در مقابله با آسیب‌های روانی و اخلاقی چون دژی محکم و استوار می‌ایستد و اجازه ورود بیگانه را به زمینه جانش نمی‌دهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله به کودکان احترام زیادی می‌گذاشت و به آنان مهربانی می‌کرد. در رابطه با مهربانی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به کودکان نقل شده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود، حضرت حسن علیه السلام و حضرت حسین علیه السلام وارد شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله چون آن‌ها را دید به احترامشان از جا برخاست و به انتظار ایستاد، کودکان در راه رفتن ضعیف بودند، لحظاتی چند طول کشید، رسیدند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به طرف کودکان رفت و از آنان استقبال کرد، آغوش باز کرد و هر دو را بر دوش خود سوار کرد و به راه افتاد و در همان حال می‌گفت: «فرزندان عزیز، مرکب

شما چه مرکب خوبی است و شما چه سواران خوبی هستید» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۴۳، ص ۲۸۵ - ۲۸۶). آن‌گاه که عضوی از اعضای خانواده چنین مورد تکریم و احترام و اظهار مهربانی قرار گیرد، از بودن خود با این خانواده احساس رضایت دارد، به اعضای خانواده خود اطمینان و اعتماد پیدا می‌کند و با عمل به راهنمایی‌های تربیتی آنان و با استفاده از توانمندی‌هایی که دارد بر کمالات و رشد همه جانبه خود می‌افزاید. رشد همه جانبه هر یک از اعضای خانواده، همان کارآمدی سیستم خانواده است.

وقتی که مهربانی به کودک این مقدار مورد توجه منابع و دستورات دینی قرار گرفته است و این قدر آثار مطلوب دارد، حتماً مهربانی و دلسوزی نسبت به بزرگسال و همسر که به مرحله رشد انتزاعی رسیده است و رفتارهای دیگران را تجزیه و تحلیل می‌کند، آثار ارزشمندتری به دنبال خواهد داشت. آن‌گاه که همسران نسبت به یکدیگر احساس مهربانی کنند، تلاش آنان برای کارآمد ساختن سیستم خانواده، افزون خواهد شد. پس تنها مهربانی و دلسوزی مختص کودکان نیست، بلکه بزرگ‌ترها نیز به آن نیاز مندند، از دریافت آن لذت می‌برند، چنین حسی موجب شادکامی و امید به حال و آینده می‌شود و در نهایت زمینه‌ساز رشد، بالندگی و کمال خواهد بود.

۲-۸. صبر

زندگی انسان در دنیا آمیخته با مشکلات و تعارض‌های فراوانی است و اگر در مقابل آن بایستد و صبر و مقاومت داشته باشد، حتماً پیروز خواهد شد و اگر ناشکیبایی کند و در برابر حوادث ناگوار زانو بزند، هیچ‌گاه به مقصد نخواهد رسید. در منابع دینی، صبر و پیروزی قرین هم شمرده شده‌اند. (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۲۱۳) بسیاری از مفسران معتقدند که هیچ‌یک از فضایل انسانی به این اندازه در قرآن کریم مورد تأکید قرار نگرفته است. این امر نشان می‌دهد که قرآن برای این فضیلت اخلاقی و عملی اهمیت فراوانی قائل است و آن را عصاره همه فضیلت‌ها و ابزار رسیدن به هرگونه خوشبختی و سعادت می‌داند. انسان و خانواده، اگر ویژگی اخلاقی صبر را نداشته باشد و به آن عمل نکند، هرگز به خوشبختی و سعادت نخواهد رسید و کارآمد نخواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۴۶) حضرت علی علیه السلام صبر در کارها را به منزله سر در بدن می‌داند و می‌فرماید: «هم‌چنان‌که اگر سر از بدن جدا شود بدن فاسد می‌شود، صبر نیز هرگاه در کارها نباشد، کارها تباه می‌گردد». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ح ۱۰۰۶۴)

در خانواده، گاهی اعضا با ناکامی‌هایی روبه‌رو می‌شوند و یا برآورده شدن خواسته‌ها، نیازمند گذشت زمان است. هم‌چنین گاهی آسیب‌های بدنی برای آنان به وجود می‌آید و در بسیاری از موارد اتفاق می‌افتد که روابط بین آنان به هم می‌خورد و زمینه بروز اختلاف و رفتارهای نامناسب در خانواده فراهم می‌شود. در صورتی که اعضای خانواده از مهار خویش ناتوان باشند و بردباری و تحمل در مقابل مشکلات را نداشته باشند، خانواده به شدت دچار آسیب می‌شود و نه تنها نیاز خود فرد برآورده نمی‌شود، بلکه برای دیگران نیز

مشکل ایجاد می‌شود. فشار روانی، اولین محصول بی‌صبری در برابر مشکلات است. فرد صبور می‌تواند با صبر در مقابل حوادث پیش آمده موفقیت و کارآمدی خانواده را حفظ کند، در حالی که واکنش فوری و بدون اندیشه در مقابل رفتارهای نامناسب دیگران سبب پشیمانی می‌شود. صبر به فرد امکان می‌دهد که در زمان مناسب، رفتار و واکنش درست و متناسب با رفتار فرد خطاکار را از خود نشان دهد. اگر هر عضوی از خانواده بخواهد فقط به خواسته‌های خود بپااندیشد و به دنبال رسیدن به آن‌ها و ارضای نیازهای فردی باشد و در مقابل کمبودها بی‌صبری از خود نشان دهد، نمی‌تواند به خوشبختی و اهداف خود برسد.

۳. شاخص حقوقی

یکی از عوامل استحکام، آرامش و کارآمدی خانواده، رعایت حقوق اعضای خانواده توسط یکدیگر است؛ یعنی اگر زن و شوهر از ابتدا نسبت به حقوق یکدیگر و فرزندان خود آشنایی کامل داشته باشند و حدود انتظارات خود را بر مبنای این شناخت قرار دهند، کارآمدی خانواده تأمین خواهد شد. حقوق اعضای خانواده را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: حقوق زن، حقوق شوهر، حقوق فرزندان و حقوق والدین.

۳-۱. حقوق زن

بر اساس منابع دینی برای زن حقوقی وضع شده است که لازم است توسط شوهر رعایت شود تا خانواده در مسیر رسیدن به تعالی حرکت کند. مهم‌ترین موارد این حقوق عبارت هستند از:

۳-۱-۱. گشایش در زندگی

در روایات بیان شده است که مرد وظیفه دارد برای ایجاد شرایط زندگی رضایت‌بخش و تأمین هزینه‌های مطلوب و معقول زندگی تلاش کند و از توسعه در نیازمندی‌های اعضای خانواده استقبال کند. امام سجاد^ع در این باره می‌فرماید: «ان ارضاکم عندالله اسبغکم علی عیاله» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷۸، ص ۱۳۶)؛ همانا خرسندترین شما نزد خداوند کسی است که خانواده خود را بیش‌تر در گشایش و رفاه قرار داد. اعضای خانواده‌ای که برای رشد و کمال خود از امکانات لازم برخوردار باشند با آسایش و آرامش بیش‌تر در جهت رشد خود حرکت می‌کنند و برعکس آن‌گاه که با محدودیت‌های ایجاد شده از طرف همسر و پدر مواجه می‌شوند، آرامش آن‌ها به هم می‌ریزد و نسبت به نان‌آور خانه دیدگاه منفی پیدا می‌کنند و این دیدگاه بر پیشرفت خانواده به شدت تأثیر می‌گذارد. در متون دینی آمده است که سزاوار است مردها در زندگی خود به گونه‌ای گشایش و توسعه ایجاد کنند که اعضای خانواده مرگ او را آرزو نکنند. (کلینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱)

۳-۱-۲. تأمین نیازمندی‌های زندگی

تأمین مخارج زن بر مرد، واجب است و مقدار آن بر اساس نیاز و شأن زن تعیین می‌شود (خمینی، ۱۳۷۹، ص ۲۹۹). نفقه واجب که از حقوق زن شمرده می‌شود و مرد باید آن‌ها را به صورت الزامی تهیه کند، عبارت

هستند از: ۱. تهیه غذا و خوردنی‌های مورد نیاز؛ ۲. تهیه پوشاک مورد نیاز و متناسب با شأن زن؛ ۳. تأمین هزینه‌های درمانی؛ ۴. فراهم کردن مسکن مناسب؛ ۵. تهیه وسایل زندگی مناسب و متناسب با شأن زن. (همان)

۳-۱-۳. تأمین نیاز جنسی

تصدیق صریح و درک جنبه جنسی همسر از جمله موارد حفظ و استمرار سلامت و آرامش روانی و کارآمدی کانون خانواده است. یکی از انگیزه‌های اصلی تشکیل خانواده تأمین نیاز جنسی زوجین است. برادفورد^۱ در زمینه رضایت زوجین از زندگی تحقیقی روی ۳۵۱ زوج که طول زندگی آنان از پانزده سال بیش‌تر بود، انجام داده و از دلایل ادامه زندگی مشترکشان پرسیده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از عوامل مؤثر در تداوم زندگی مشترک، رضایت از روابط جنسی بوده است. عدم توجه به این نیاز، زن را دچار ناراحتی‌های جدی می‌کند. (ستیر، ۱۹۸۸) قرآن کریم دوست‌داشتن روابط جنسی را برای زندگی زینت به حساب آورده است و فرموده است: «زین للناس حب الشهوات...» (آل‌عمران: ۱۴)؛ در نظر مردم آرایش یافته است، عشق به امیال نفسانی و...

۳-۱-۴. آراسته و پاکیزه بودن

آراستگی مرد رضایت از زندگی را در زن ایجاد می‌کند، بر عفت و پاکدامنی او می‌افزاید و او را از چشم داشتن به دیگر مردان حفظ می‌کند. همان‌طور که مرد توقع دارد زن او زیبا، پاکیزه، مرتب و منظم باشد، زن نیز این توقع را از مرد خود دارد و جز و حقوق او به حساب می‌آید. یکی از یاران امام کاظم^ع نقل می‌کند که از علت خضاب کردن آن امام سؤال کردم و در جواب فرمودند: «آمادگی و خودآرایی مرد موجب افزایش عفت زنان است. زنانی که عفت را ترک کردند به خاطر این بود که شوهر خود را مرتب و آراسته ندیدند». آن شخص از امام رضا^ع نقل می‌کند که زنان بنی‌اسرائیل از عفت و پاکی دست کشیدند و این مسأله هیچ علتی نداشت جز این‌که شوهران آنان خود را نمی‌آراستند. سپس فرمود: «زن هم از مرد همان انتظاری را دارد که مرد از او دارد». (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۷۳، ص ۱۰۲)

حفظ عفت و پاکدامنی یکی از عوامل استحکام و کارآمدی خانواده است. از خانواده‌ای که عفت و پاکدامنی در آن وجود ندارد نباید انتظار داشته باشیم که زن و مرد نسبت به یکدیگر وفادار باشند. وفاداری زوجین به یکدیگر عامل انسجام، اتحاد و همبستگی زن و شوهر می‌شود و دل‌بستگی آنان به یکدیگر و پیشرفت خانواده را تأمین می‌کند.

۳-۱-۵. معاشرت نیکو

تکریم و بزرگ‌داشت و دوری از اهانت و تحقیر یکدیگر، وظیفه انسانی هر مرد و زنی است. زن برای مرد، هدیه، نعمت و امانت الهی است (همان، ج ۷۴، ص ۵) و شایسته برخورد و تعاملی شایسته و پسندیده

1. Bradford.

است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر مردی برای اداره منزل و خانواده خود به سه خصلت نیاز دارد، اگر «این خصلت‌ها» در طبیعت او نباشد، باید خود را به سختی بیاندازد تا آنها را بدست آورد: خوش رفتاری، گشاده‌دستی سنجیده و غیرت برای حفاظت از اهل منزل». (همان، ج ۷۸، ص ۲۳۶)

از موارد مهم معاشرت نیکو، بخشش خطاهای همسر است. آنان که از خطاهای دیگران می‌گذرند و از حق شخصی خویش صرف نظر می‌کنند، محبت دیگران را به خود جلب می‌کنند و آنان را خوش بین، وفادار و با محبت نگاه می‌دارند. مرد نباید عیوب همسر خود را بزرگ جلوه دهد، بلکه بر اساس دستورات دینی باید آن را بپوشاند. (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۵، ص ۱۷۵ و ج ۲، ص ۱۹۶) معاشرت نیکو هم در گفتار و هم در رفتار باید آشکار شود. وقتی مرد با کلماتی مطلوب و چهره‌ای شکفته با زن خود روبهر و می‌شود، در واقع کلید محبت و دوستی و برقراری ارتباط صمیمی و کارآمد را به دست او داده است و با گفتار دل‌پذیر و شادی بخش روابط را استوار می‌کند. در مقابل چهره‌ای گرفته و آشفته و کلمات آزاردهنده، در پیچه ارتباط و صمیمیت را می‌بندد و به تدریج فاصله‌ی روانی و عاطفی افراد را زیاد می‌کند و در خانواده سبب ناکارآمدی می‌شود.

۲-۳. حقوق شوهر

رعایت حق شوهر از سوی زن سبب استحکام پایه‌های زندگی و کارآمدی خانواده می‌شود. آن‌گاه که زن، حقوق شوهر خود را رعایت کند، مرد نیز انگیزه‌ی لازم و کافی برای انجام وظایف خود را دارد. این رعایت متقابل زمینه‌ساز بروز رفتارهای بهنجار و در نتیجه تحقق کارآمدی خانواده است. مهم‌ترین حقوق شوهر که جزو تکالیف الزامی زن هستند به شرح زیر است:

۱-۲-۳. ارضای نیاز جنسی

زن در غیر ایامی که از نظر شرع محدودیت دارد، واجب است نسبت به ارضای نیاز جنسی همسرش جواب مثبت بدهد. حتی مستحب است در این زمینه پیشقدم شده و آمادگی خود را اعلام کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «بر زن لازم است از بهترین عطر استفاده کند، زیباترین لباس را بپوشد، خود را به نیکوترین وجه آرایش دهد و صبح و شام همچون طاووس خرامان خود را به شوهر عرضه کند». ایشان در ادامه می‌فرمایند: «اگر این مقدار را انجام دهد، تنها حق شوهر خود را ادا کرده است، در حالی که حق شوهرش بیش از این‌ها است». (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۴، ص ۸)

۲-۲-۳. حق کنترل رفت و آمدها

حکم جواز خارج شدن زن از منزل مشروط به اجازه شوهر، بر اساس روایات قابل خدشه نیست و روایات متعددی در منابع شیعی بر این مطلب دلالت دارند. (حر عاملی، ج ۱۴، ص ۱۱۲-۱۱۳ و ص ۱۲۵ و ص ۱۵۴-۱۵۶ و ج ۱۵، ص ۲۳۰ و ج ۵، ص ۴۱۸) همچنین روایات مشابهی در منابع اهل سنت نیز این موضوع نقل شده است. (هیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۳۱۳) در میان فقها نیز این حکم، مسلم دانسته شده و

کسی در آن تردید روا نداشته است. تنها برخی معتقدند که لزوم کسب اجازه شوهر، اختصاص به مواردی دارد که خارج شدن از منزل با حقوق جنسی شوهر منافات داشته باشد، اما با توجه به اطلاق روایات، تخصیص آن‌ها به موارد تضييع حقوق جنسی شوهر بی‌وجه است. (بستان، ۱۳۸۸)

۳-۲-۳. حق انتخاب محل سکونت

در متون دینی به حق شوهر در تعیین محل سکونت اشاره شده و آن را از حقوق ثابت شده شوهر و از تکالیف الزامی زن معرفی کرده است (حرعاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۴، ص ۴۳۵-۴۹۴). در عین حال زن می‌تواند به هنگام عقد از شرط ضمن عقد استفاده کند و شرط کند که شوهرش او را از شهر و محل سکونت خود خارج نکند و یا در محل خاصی او را سکونت دهد و در صورتی که شوهر این شرط را بپذیرد، باید به آن عمل کند (همان، ج ۱۵، ص ۴۹) و تخلف از آن، خلاف وفای به عهد است. (بستان، ۱۳۸۶) در قانون مدنی جمهوری اسلامی در ماده ۱۱۱۴ نیز به این حق اشاره شده است: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، سکنی نماید مگر آن‌که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد».

۳-۳-۳. حقوق فرزندان

حضور فرزند در زندگی زناشویی نه تنها عشق و علاقه، پایداری و حس مسئولیت در زندگی مشترک و امیدواری به آینده را در زوجین افزایش می‌دهد، بلکه آنان «خود مشترک» را در آینه‌ی وجود فرزند به تماشا می‌نشینند. فرزند، شیرین‌ترین ثمره‌ی زندگی زن و مردی است که با عشق و محبت و با پیوند شرعی و الهی در کنار هم قرار گرفته‌اند. این عضو در خانواده نیز دارای حقوقی به شرح زیر است:

۳-۳-۱. داشتن نام نیکو

در اسلام والدین از نامگذاری با نام‌های پست و زشت نهی شده‌اند. اگر پدر و مادر، نام زشت یا زنده‌ای برای فرزند خود انتخاب کنند، به شخصیت و حیثیت او لطمه وارد ساخته و فرزند خود را از داشتن نام نیکو محروم کرده‌اند. نام‌گذاری نوزاد با نام‌های نیکو، از حقوق فرزند است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۰۸). امام رضا^ع از نام نیکو به عنوان احسان و نیکی در حق فرزند یاد می‌کند و می‌فرماید: «أَوَّلُ مَا يَبْرُرُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمٍ حَسَنٍ فَلْيُحَسِّنْ أَحَدَكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ» (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۶)؛ نخستین احسان و نیکی که پدر در حق فرزندش روا می‌دارد، انتخاب نام زیبا برای اوست. پس لازم است هریک از شما نام نیکو برای فرزند خود انتخاب کند.

۳-۳-۲. تغذیه با شیر مادر

بر اساس اوامر الهی و نوامیس طبیعت، کودک باید از شیر مادر تغذیه کند، چون بهترین شیر برای شیرخواران در درجه اول، شیر مادر خودش است. امام صادق^ع می‌فرماید: «مَا مِنْ لَبَنٍ وَضِعَ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمَ بَرَكَهَ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ» (حرعاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۵، ص ۱۷۵)؛ هیچ شیری برای تغذیه کودک از شیر

مادرش بابت کمتر نیست. محروم کردن غیر موجه نوزاد از شیر مادر ستم بزرگی در حق کودک است، به همین دلیل اسلام برای مادران شیرده ثواب‌های زیادی مقرر کرده است. پیامبر اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: «... فَإِذَا أَزْصَعَتْ كَان لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كَعْدَلِ عُنُقٍ مُّحَرَّرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رِضَاعِهِ صَرَبَ مَلَكٌ كَرِيمٌ عَلَيَّ جَنَّتِيهَا وَ قَالَ: أَسْتَأْنِفِي الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ لَكَ» (همان، ج ۱۵، ص ۱۷۵): هنگامی که مادر فرزند خود را شیر می‌دهد، در هر مرتبه‌ای که کودک از پستان او شیر می‌مکد، خدای متعال، ثواب فراوانی به او عطا می‌کند و آنگاه که از شیر دادن فراغت می‌یابد، فرشته‌ای دست بر پهلوی مادر نهاده و می‌گوید زندگی را از نو آغاز کن که خداوند تمام گناهان گذشته‌ات را آمرزید.

۳-۳-۳. سلامت جسم و روان

داشتن سلامت جسم و روان از حقوق فرزندان بر والدین است. یکی از دلایل سفارش اسلام به ازدواج با افراد دارای سلامت جسمی و روحی ناظر به رعایت همین حق فرزند است. پس از انتخاب همسر مناسب و شایسته، زن و شوهر باید از آمادگی خود برای پذیرش مسئولیت فرزندآوری و فرزندپروری اطمینان حاصل کنند و مطمئن باشند که می‌توانند پس از لقاح، حقوق فرزند خود را رعایت کنند. این آمادگی فقط به جنبه جسمی منحصر نمی‌شود، بلکه از نظر روحی نیز باید آمادگی وجود داشته باشد. بخش عمده‌ای از سلامت جسمی و روانی فرزند، تابع رفتارهای والدین و به ویژه مادر است. حضور یک انسان دیگر در کانون خانواده، مسئولیت‌هایی را در زمینه نگهداری و تربیت شایسته به دنبال دارد. از نظر جسمی تغذیه مطلوب و به ویژه از غذاهای حلال و با درآمد حلال از حقوق فرزند است.

۳-۳-۴. اجتماعی شدن

یکی از ابعاد وجودی انسان، اجتماعی بودن اوست که در مقام تربیت باید بدان توجه شود؛ از این رو یکی از وظایف والدین و مربیان در تربیت فرزندان و نسل آینده، توجه به رشد اجتماعی آنان است تا استعدادها و توانایی‌های فرزندان در عرصه‌ی حیات اجتماعی شکوفا شود و بتوانند به صورت فعال و موفق در زندگی جمعی حضور یابند. به تعبیر دیگر، اجتماعی تربیت شدن یکی از حقوق فرزندان است.

۳-۳-۵. ازدواج

بر اساس معارف دینی از جمله حقوق فرزند بر پدر خویش این است که نام نیک برای او انتخاب کند، به او نوشتن پیام‌آموز و آنگاه که به سن بلوغ رسید، زمینه ازدواج او را فراهم کند. (محمدری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۷۲۰) در دوره جاهلیت، والدین به امر ازدواج فرزندان خود توجه نداشتند، از این رو خداوند متعال مسلمانان را به این کار دستور داد و فراهم آوردن امکان ازدواج فرزندان را بر پدران واجب کرد. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۳۲، ذیل آیه ۳۲ سوره نور)

۳-۴. حقوق والدین

در منابع دینی نسبت به رعایت حقوق والدین به مصادیق متعدد و مختلفی اشاره شده است. همه این مصادیق را می‌توان در عنوان کلی «احسان» جای داد. خداوند متعال در آیات متعدد به احسان به والدین اشاره فرموده و آن را پس از دستور به خداپرستی قرار داده است؛ یعنی احترام و احسان به پدر و مادر در دومین مرحله از مراحل اساسی دعوت قرآن قرار گرفته است (بقره: ۸۳، نساء: ۲۲ و اسراء: ۲۳). مواردی از قبیل اطاعت از پدر و مادر «ان اشکر لی ولوالدیک الی المصیر و ان جاهداک علی ان تشکر بی ما لیس لک به علم فلا تعطهما و صاحبهما فی الدنیا معروفًا و اتبع سبیل من اناب الیّ ثم الی مرجعکم فأنبئکم بما کنتم تعملون» (لقمان: ۱۴-۱۵)، به آرامی و نرمی با آنان سخن گفتن «و لا ترفع صوتک فوق اصواتهما» (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۵، ص ۲۰۵)، قطع نکردن سخنان آنان، تواضع و فروتنی در برابر آنان «علیک بطاعة الاب و بزه و التواضع والخضوع والاکرام له و حفض الصوت بحضرتہ...» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۷۱، ص ۷۶)، برآورده کردن نیازهای پدر و مادر، دعا در حق والدین، شرکت در غم و شادی آنان، مهربانی بیش‌تر در حق مادر، قدردانی لفظی و عملی از زحمات‌های آنان «انّ الله امر بالشکر له و لوالدیه فمن لم یشکر والدیه لم یشکر الله» (عطاردی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۶۸)، اجتناب از امر و نهی آنان (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۵، ص ۲۷۷-۲۰۵)، اجتناب از آزردهن آنان حتی به اندازه گفتن کلمه «لو علم الله لفظة اوجز فی ترک عقوق الوالدین من أف، لآتی به» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۴۰۹)، رسیدگی ویژه به پدر و مادر به هنگام پیری (اسراء: ۲۳-۲۴) و صدا زدن آنان با نامشان «لا یسمیه باسمه» (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ص ۲۲۰) در روایات به عنوان مصادیق احسان ذکر شده است.

نتیجه‌گیری

در منابع دینی آموزه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی و حقوقی برای رشد و تعالی در جنبه‌های فردی، اجتماعی، مادی و معنوی زندگی خانوادگی بیان شده است. شاخص‌ها و ویژگی‌های اخلاقی و حقوقی خانواده‌ی کارآمد به طور همزمان و هماهنگ در نظر گرفته شده‌اند. توجه نکردن به دستورات اخلاق اسلامی و عدم رعایت حقوق یکدیگر در شکل‌دهی رفتار و تعامل با دیگر اعضای خانواده موجب ناکارآمدی آن می‌شود. بر اساس منابع دینی، عمل به دستورالعمل‌های اخلاق اسلامی بر استحکام سیستم خانواده می‌افزاید و کارآمدی آن را تضمین می‌کند. برخورداری اعضای خانواده از فضایل اخلاقی و عمل به آن‌ها، نه تنها سبب نجات در قیامت است، بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد و کارآمدی خانواده به عنوان کانون تعلیم و تربیت بدون کسب و رعایت مسائل اخلاقی تأمین نخواهد شد. راستگویی، مثبت‌اندیشی، محبت کردن، احترام متقابل، مدارای با یکدیگر، سلام کردن، دلسوزی و مهربانی و صبر از مهم‌ترین آموزه‌ها و رفتارهای اخلاقی هستند که بر کارآمدی خانواده تأثیر مستقیم دارند.

اخلاق، بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات و حقوق اعضا در کانون خانواده است و کارآمدی آن را تضمین می‌کند. خانواده بهترین محیط برای آموزش آموزه‌های اخلاق اسلامی و حقوق خانوادگی به فرزندان است. محور اصلی در دستیابی به کارآمدی، رضایت خداوند است. همه اعضای خانواده در پیشرفت خانواده نقش دارند و همه آنان برای دستیابی به تعالی باید تلاش و همکاری کنند. در منابع دینی در جهت دستیابی به کارآمدی خانواده، حقوق همه اعضای خانواده در نظر گرفته شده است. هدایت خانواده بر اساس این شاخص‌ها و ویژگی‌ها سبب رشد اعضای خانواده و دستیابی به خانواده‌ای مطلوب، متعادل، کارآمد و متعالی می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران و قم، انتشارات دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۸.
- آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکرم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- بستان، حسین، اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- بنی هاشمی، سید محمد حسین، توضیح المسائل مراجع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۱م.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۷۹.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی، رشت، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰.
- ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۸۳.
- ستیو، ویرجینا، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ترجمه بهروز بیرشک، تهران، انتشارات رشد، ۱۹۸۸م.
- صفورایی پاریزی، محمد مهدی، شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت پرسشنامه آن، رساله دکتری، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۸۸.
- طبرسی، رضی‌الدین حسن بن فضل، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
- عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی علیه السلام، تهران: عطارد، ۱۳۹۱.
- فیض کاشانی، محمد، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تهران، مکتبه الصدوق، بی‌تا.
- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۷.
- کلینی، محمد یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، نشر فرهنگ اهل بیت، بی‌تا.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳م.
- محمدی ری شهری، میزان‌الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، ۱۳۷۹.
- مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۹۴.
- مظاهری، علی اکبر، جوانان و انتخاب همسر، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳.

- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی ابن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۷۷.
- مینوچین، سالوادور، خانواده و خانواده درمانی، ترجمه باقر ثنائی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران، نشر جاویدان، ۱۳۸۳.
- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، انتشارات آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
- هیثمی، علی ابن ابوبکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
- Satir, V. Conjoint Family Thrapy, Californiya: Science and Behavior Books, 1998.
- Donnellan, M. Brent. Conger, Rand.D & Briyant, Chalandra, The Big Five and Enduring Marriages. Journal of Research in Personality. Vol 38, 2004.
- Hofferth, Sandral. Handbook of Measurement Issues in Family Research, London Lawrence Erlbaum associates publishers, 2007.
- Pinsof, William. Lebow, Jay. Family Psychology, the Art of the Science. New York, Oxford University Press, 2005.
- Rothpaut, W.J. & Young, S, An Inquiry of Young Adults' Perceived Efficacy and Success of Intimate Relationships: Gender and personality differences. 2007.
- Thomas M. Gehring and others. The Family System Test (FAST) Theory and Application, Brunner Routledge Publishing. Co, 2001.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی